

گزارش کامل مراسم سالگرد آیت الله طالقانی در حسینیه ارشاد

عزت‌الله سبحانی: نقطه وفاداری رهروان نوگرای اسلامی و تشیع علوی، خدمت بی‌منت به مردم است محمد توسلی:
محور اصلی اندیشه سیاسی طالقانی مقابله با استبداد و بارور کردن درخت آزادی و آزادی است هدی
صابر: جامعه روشنفکر کنونی در آموزش نسل جدید غفلت ورزیده است
اعظم طالقانی: مدیران خردگرا با اصل شورا و مشورت همسویی دارند

۲۳ شهریور ۱۳۸۵

عزت‌الله سبحانی: قصد نداریم از حدود و خط قرمزهای قانونی و شرعی پای فراتر بگذاریم نقطه وفاداری رهروان نوگرای اسلامی و تشیع علوی، خدمت بی‌منت به مردم است سبحانی در مراسم سالگرد آیت‌الله طالقانی که در حسینیه ارشاد برگزار شد، گفت: اکنون ۲۳ سال است که این مجلس با یادبود بزرگان و پیشگامان نهضت ملی اسلامی ایران که فرزندان امروزین جنبش نوگرای اسلامی با قیادت سیدجمال‌الدین اسدآبادی است، تشکیل می‌شود. این مراسم به منظور بزرگداشت یادآورانی که ما را به راه پاک قرآن و محمد(ص) و ائمه طاهرین رهنمون شدند. به بیانی دیگر ما، یعنی نوگرایان اسلامی این عصر را بر سنت و سیرت آن بزرگان تربیت کردند. به این جهت امید به لطف و عطف پروردگار یکتا داریم که این راه و سنت و این تربیت و روش را تا مدتی که خود مصلحت می‌داند، هدایت و حراست فرموده و برکات و آن را برای ما ملت ایران ساری و جاری فرماید. وی افزود: در یاد داشته باشیم که یاد مستمر و طولانی‌مدت نهضت حسین بن علی(ع)، سید الشهداء(ع) قریب به ۱۴ قرن است که بر حیات و زندگی ملت ایران پرتو افکننده و چراغ هدایتی شده است که در بزنگاه‌های تاریخی چون جنبش تنباکو، مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت و نهضت سال‌های ۲۲ تا ۵۶ و انقلاب اسلامی ۵۷ موتور محرک خیزش و تجدید حیات ملت ایران با رهبران تشیع علوی گردیده است و با توجه به سیره ائمه اطهار که پس از قیام و شهادت دوران‌ساز سیدالشهدا بنا را بر تداوم و حراست از سیرت و اخلاق محمدی بیش از جبهه‌گیری تشکیلاتی یا قدرت سیاسی گذارده بودند تا خصلت یادآوری و حیات‌بخشی آن، به نحوی از هیجانان و احساسات آنی و دوره‌ای با قدم‌های ثابت، محکم و اندیشیده بروز نماید لذا استقرار و تداوم این راه در عصر حاضر و جهان پرابهام کنونی، خود یک اصلی در کنار سایر اصول است و نه جانشین آنها. رییس شورای هماهنگی نیروهای ملی مذهبی تصریح کرد: زیربنا و بستر همه اینها اخلاق، حکمت محمدی و تقوا و صبر است و استمرار که مصداقی از صبر، پایداری و استقامت است. به راستی در این دوران هجوم بلاها و ستم‌ها بر مردمان بی‌گناه و حقوق و مصالح این مرز و بوم ستم‌کشیده جز در پرتو توجه به رهنمودهای قرآن تحقق‌پذیر نیست. سبحانی گفت: پایداری، استقامت و آرامش و خودداری از هیجانان تحریک‌آمیز شرطی است که به جای احساس و ناپختگی، اندیشه‌ورزی و آینده‌نگری را پرورش می‌دهد، از همین روست که رهروان تشیع علوی به کسب قدرت نمی‌اندیشند بلکه به خدمت حقیقی به مردم اعم از خودی‌ها یا غیرخودی‌ها نظر دارند و این سیره محمدی بوده لذا ما قصد نداریم که از حدود و خط قرمزهای قانونی و شرعی پای فراتر بگذاریم. خدمت بی‌منت و بی سروصدا به مردم ایران؛ این است «قول ثابت» و نقطه وفاداری رهروان نوگرای اسلامی و تشیع علوی. وی افزود: طالقانی یک خصوصیت اخلاقی داشت که آن «قول ثابت» در زندگی اجتماعی و سیاسی او بود. با بزرگان و گردن‌کشان بی‌پروا و مهاجم بود و در برابر ضعیفان و تحقیرشدگان با تواضع برخورد می‌کرد. به همین دلیل این خصوصیات او را محبوب پیر و جوان ساخته بود. سبحانی تصریح کرد: خدمتی که طالقانی به شاگردانش کرد، این بود که آنها را با قرآن و مفاهیم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سیستم‌گرایی اجتماعی آشنا کرد.

طالقانی در طول سال‌های ۲۲ تا ۵۷ بی‌پروا به رژیم کودتاگر حمله می‌کرد که به این دلیل، به حبس و تهدیدهای متعدد دچار شد اما این مساله در اراده او در مبارزه فتوری ایجاد نکرد تا سرانجام در پاییز ۵۷ پس از آزادی از زندان و تبعید درازمدت، خانه او اصلی‌ترین پایگاه انقلاب برای همه اقشار ملت به خصوص روشنفکران و وطن‌دوست زمان شد. چهره طالقانی با شجاعت، شهامت، آزادی، جوانمردی و با آموزگاری عمیق و خردمندانه قرآن مشخص و آشکار است.

محمد توسلی: محور اصلی اندیشه سیاسی طالقانی مقابله با استبداد و بارور کردن درخت آزادی و آزادی است به گزارش خبرنگار "ایلنا"، محمد توسلی در مراسم بیست‌وهفتمین سالگرد درگذشت آیت‌الله طالقانی که در حسینیه ارشاد برگزار شد، یاد و نام آیت‌الله سید محمود طالقانی و همفکران همراه او، مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی را گرامی داشت و با اشاره به آشنایی خود با طالقانی، گفت: من از دوران نوجوانی تا آخرین روزهای عمر پر بار طالقانی همواره از آموزش‌ها، مشورت‌ها و همکاری‌های آن زنده‌یاد بهره گرفته‌ام و صدای دلنشین او در اعماق وجودم طنین دارد. وی افزود: در دوران دبستان (در حدود سال ۱۳۲۶)، که با جمعی از نوجوانان هم‌محلّه خیابان مولوی (شاهپور) از آیت‌الله طالقانی برای سخنرانی به مناسبت ۱۵ شعبان دعوت کردیم، او با اشتیاق دعوت ما را پذیرفت و درباره «فلسفه غیبت و انتظار» - دمیدن روح امید و حرکت و آمادگی و نه سکون و بی‌عملی - با ما سخن گفت. در دوران تحصیل در دانشگاه تهران (۴۰-۱۳۳۵)، در کلاس‌های آموزش قرآن او در مسجد هدایت و سخنرانی‌های او در انجمن اسلامی دانشجویان با زبان و مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی آشنا شدم. در سال ۱۳۴۰، با عضویت در جمعیت نهضت آزادی ایران و فعالیت در شاخه دانشجویی آن، افتخار همکاری حزبی با او را یافتم. وی در سال ۱۳۴۶، با حضور مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی، خطبه عقد ازدواج را خواند، پس از پیروزی انقلاب، مشاور ما در مدیریت شهر تهران بود و در موارد بسیاری از راهنمایی‌ها و مشورت او برای حل مسائل پیچیده مدیریت شهری بهره گرفتیم و سرانجام، در مراسم آخرین نماز جمعه - که به مناسبت نخستین سالگرد حماسه ۱۷ شهریور ۵۷ در بهشت زهرا برگزار شد - میزبان او و نمازگزاران بودیم. در پایان برنامه نماز، از او خواستیم که ساختمان جدید غسلخانه بهشت زهرا را افتتاح کند. در جریان این بازدید، او با نگاه نافذ و لحن صمیمی‌اش به یکی از غسل‌ها گفت: «مرا خوب بشوری!»، دو روز بعد، غسل مورد خطاب در همان جا او را شست و در محلی که بین قطعه شهدای ۱۷ شهریور و قطعه شهدای پس از انقلاب پیشنهاد کردیم، با موافقت خانواده و دوستانش به خاک سپرده شد.

توسلی با مروری بر شخصیت و منش طالقانی گفت: سید محمود طالقانی فرزند سید ابوالحسن طالقانی، روحانی آزاداندیش و همراه شهید مدرس که با شغل آزاد (کشاورزی و ساعت‌سازی) امرار معاش می‌کرد، بود. وی در سال ۱۲۸۹ در دوره انقلاب مشروطیت متولد شد. طالقانی به‌رغم گذراندن دوره تحصیلات حوزوی در قم، به قول شادروان مهندس بازرگان، با آنکه آخوند بود یعنی علم و مسوولیت روحانیت را داشت، اخلاق و رفتارش با دیگر آخوندها یکسان نبود. او، برخلاف سنت معمول حوزویان، نه در حوزه ماند تا مراتب ارتقا تا سطح مرجعیت را طی کند - که البته استعداد و ظرفیت آن را داشت - و نه در پی پیش‌نماز شدن، منبر داشتن و مدرسه‌داری سنتی بود. او در تلاش برای پیگیری رسالت پیامبران و صالحان، یعنی آگاهی‌بخشی به مردم بود. او در شرایط سال‌های پیش از شهریور ۱۳۲۰، هنگامی که از حوزه به تهران آمد، مخاطبان مورد نظرش، یعنی نوجوانان و جوانان کشور را - که به لحاظ فکری و هویتی سرگردان بودند - جستجو می‌کرد. وی با بیان اینکه خوشبختانه در سال‌های اخیر، به‌رغم محدودیت‌های موجود در حوزه‌ها، طلبه‌های جوان، فرهیخته و توانا در کارهای پژوهشی و آگاه‌بخشی تربیت شده‌اند و نقش مهم و مؤثری در زدودن خرافات و پاسخگویی به پرسش‌های پرشمار جوانان دارند، گفت: طالقانی از صداقت، صراحت لهجه، شجاعت و استقلال‌نظر ویژه‌ای برخوردار بود، با مردم ارتباط عاطفی، صمیمی و جذب‌کننده و با ستمگران و کارگزاران طاغوت برخورد بسیار جدی و تندی داشت. او با پاسبانی که به زور حجاب زنی را در سال ۱۳۱۸ برمی‌داشت برخورد کرد که

منجر به زندانی شدن او (طالقانی) شد. رفتارهای او در دادگاه نظامی محاکمه‌کننده سران و فعالان نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۲ و در زندان، با عوامل ساواک، داستانهای مفصلی است که در منابع تاریخی خواننده یا شنیده‌ایم.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: طالقانی اهل گفتگو، مدارا و تساهل، به‌ویژه با مخالفان فکری، بود. او با مخالفان فکری به‌نحوی برخورد می‌کرد که آنان احساس امنیت می‌کردند و در شرایطی که می‌توانست ایجاد اطمینان کند سخنانشان را می‌شنید و آنان را راهنمایی می‌کرد. این منش و ویژگی طالقانی در شرایط کنونی جامعه ما، که وفاق ملی نیاز راهبردی است، شدیداً مورد نیاز و توجه همه احزاب، گروهها و فعالان سیاسی - اجتماعی است که در بخش‌های بعدی به آن خواهم پرداخت. توسلی سپس به اندیشه فرهنگی آیت‌الله طالقانی اشاره کرد و گفت: در سده اخیر، همه مصلحان و احیاگران دینی، بازگشت به قرآن، سرچشمه زلال وحی، را سرلوحه برنامه‌هایشان قرار داده‌اند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، عبده، کواکبی، اقبال لاهوری، استاد محمدتقی شریعتی، طالقانی و بزرگان تلاش فرهنگی خود را - که پیشنیاز هرگونه تحول اجتماعی است - معطوف به آشنا کردن مردم با زبان و فرهنگ قرآن - که کتاب هدایت و راهنمای عمل انسان است - کرده‌اند. طالقانی در طول چهل سال تلاش اجتماعی - سیاسی همواره بر این مهم پای فشرده است. وی افزود: طالقانی، در سرمقاله نخستین شماره مجله دانش‌آموز - که در سال ۱۳۲۱، از سوی کانون اسلام منتشر شد - با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، دلایل ضرورت بازگشت و توجه به قرآن را به تفصیل توضیح داده است، مقاله با این مقدمه آغاز می‌شود: « اذا التبت علیکم الفتن قطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن ... » « در هنگامی که ابرهای تیره فضای جامعه را دربرمی‌گیرد، بطوری که تشخیص حق و باطل مشکل شود، به قرآن روی آورید ».

توسلی خاطر نشان کرد: پس از شهریور ۱۳۲۰، با شکسته شدن جو سرکوب و اختناق رضاشاهی و پدید آمدن فضای باز سیاسی، عرصه فرهنگی جامعه، به‌ویژه در دانشگاه و در میان جوانان تحصیل‌کرده، در اختیار افکار وارداتی، به‌ویژه مارکسیسم و غرب‌گرایی، قرار گرفت. در چنان شرایطی، طالقانی قرآن را از طاقچه‌های منازل و گورستان‌ها به صحنه زندگی مردم آورد و با زدودن زمینه‌های خرافات و پیرایه‌های دینی، قرآن را با فطرت جوانان پیوند زد و آیات و قانونمندی‌های قرآنی را که راهنمای عمل در زندگی و تلاش‌های اجتماعی همه عاشقان آزادی، عدالت و کرامت انسانی است، به آنان آموخت. وی با اشاره به اینکه بیان تلاش‌ها و خدمات فرهنگی ۴۰ ساله طالقانی نیاز به فرصت زیادی دارد، تصریح کرد: کلاس‌های قرآن طالقانی در مسجد هدایت، در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و ۴۰، نسلی را با اندیشه و انگیزه خدمت‌رسانی به جامعه تربیت کرد. پنج جلد کتاب ارزشمند «پرتوی از قرآن» تفسیر کم‌نظیر قرآن است که در فرایند فعالیت اجتماعی - و بیشتر آن در دوران اسارت طالقانی - تدوین شده است که جا دارد پویندگان اندیشه طالقانی این راه طی شده را ادامه دهند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: پرسشی که امروز باید به آن پاسخ داده شود، این است که آیا زمانه « بازگشت به قرآن » سپری شده است و دیگر نیازی به پیگیری این اندیشه طالقانی وجود ندارد؟ به نظر من در شرایط فرهنگی - اجتماعی پس از پیروزی انقلاب و تحولاتی که در جمهوری اسلامی ایران پدید آمده است، ضرورت بازگشت به قرآن و تداوم اندیشه طالقانی به مراتب بیش از نیاز به آن در شرایط شهریور ۱۳۲۰ و دهه‌های پس از آن وجود دارد. در آن شرایط، خرافات و پیرایه‌های دینی در حاشیه مسائل بنیادی جامعه قرار داشت و افکار الحادی و دیدگاه‌های برخی از تحصیل‌کردگان در کشورهای غربی با بدنه جامعه ایران ارتباط چندانی نداشت و تأثیرات آنان محدود بود اما امروز متأسفانه برخی از افکار و اندیشه‌های خرافی مذهبی از رسانه ملی به طور وسیع پخش می‌شود. گسترش سامانه‌های ارتباطی مدرن بدنه جامعه، به‌ویژه نسل جوان ما، را به طور طبیعی تحت تأثیر رسانه‌های خارجی قرار می‌دهد که نیازی به ذکر مصادیق آنها در اینجا نیست زیرا همگان روزمره با نوع تبلیغات این رسانه‌ها آشنا هستند. در اینجا تنها به یکی از برنامه‌های رادیو قرآن (معارف) - که چند هفته پیش پخش شد و تصریح کرد که قرآن به عنوان امام پانزدهم پس از

چهارده معصوم قرار دارد - و سخنان اخیر رییس مجلس خبرگان رهبری، در این باره که مقام رهبری در جمهوری اسلامی منصوب خدا است - اشاره می‌کنم. توسلی گفت: آشنایی با قرآن، سرچشمه زلال وحی، و نهج البلاغه و سایر معارف اصیل دینی ملاک‌هایی در اختیار جامعه، به‌ویژه نسل جوان و تحصیل‌کرده، قرار می‌دهد تا تحت‌تأثیر تبلیغات سوء و خرافی قرار نگیرند و افکار و دیدگاه‌های رسانه‌های رسمی و عملکرد حاکمان جمهوری اسلامی را معادل و منطبق بر آموزه‌های قرآن و اسلام اصیل تلقی نکنند و بدین ترتیب، از دین‌گریزی و دین‌ستیزی جوانان جلوگیری شود. وی افزود: خداشناسی، انسان‌شناسی، جایگاه پیامبران و مؤمنان در فرهنگ قرآنی و منابع اصیل اسلامی جهان‌بینی، شناخت، مبانی و شاخص‌هایی در اختیار انسان قرار می‌دهد که بطور طبیعی مغایرت پیرایه‌ها و خرافه‌های رایج در رسانه‌ها و پاره‌ای از منابر را با فرهنگ اصیل اسلامی مشخص می‌کند و لاقلاً از اثرگذاری این گونه افکار انحرافی در سست کردن پایه‌های ایمانی انسان می‌کاهد. توسلی تصریح کرد: خوشبختانه، در سال‌های اخیر، طلبه‌هایی نواندیش و فرهیخته در حوزه‌های علمیه تربیت شده‌اند که با علوم و معارف جدید علمی آشنا هستند و حرکت آگاهی‌بخش و بازگشت به قرآن طالقانی را ادامه می‌دهند، که البته این تلاش‌ها با هزینه‌هایی همراه بوده است. این فرهیختگان و روشنفکران دینی در سال‌های اخیر با مطالعات پژوهشی نو نقش مؤثری در تداوم اندیشه فرهنگی طالقانی و بازرگان ایفا کرده‌اند. آثار مکتوب، سخنرانی‌ها و کلاس‌های درس این متفکران ارزشمند و استقبال جوانان از این تلاشها کاملاً مشهود است و جای تقدیر دارد. اما میزان این تلاشها نسبت به نیاز کنونی جامعه فاصله زیادی دارد. امیداست که با همت و تلاش بیشتر این تلاشگران فرهنگی، به این امر مهم جامعه اهتمام لازم مبذول شود. وی سپس به اندیشه سیاسی آیت‌الله طالقانی اشاره کرد و گفت: محور اصلی اندیشه سیاسی طالقانی - که در تمام عمر بر آن پای فشرد - مقابله جدی با استبداد، خودکامگی و فرهنگ استبدادی و بارور کردن درخت پرثمر آزادی و آزادگی است. او این اندیشه را از متن قرآن، تجربه تاریخی کشور و مطالعه احوال اقوام و ملل دیگر بدست آورد. او، در پرتوی از قرآن، طاغوت را که نماد هر مستبدی است به معنای لغوی و وسیع برای هر خودخواه و سرکش بر اندیشه، آزادی و حق خلق آورده است . توسلی خاطر نشان کرد: طالقانی برای آموزش دریافت‌های قرآنی خود تنها به سخنرانی، تدریس و چاپ کردن آنها بسنده نمی‌کرد، بلکه خود نیز به آنها عمل می‌نمود. او در برابر فشارها، زندانها و محرومیتها پایدار و استوار بود و در هر مرحله از این تحولات اجتماعی درجه‌های تازه‌ای به روی او گشوده می‌شد. این روند در سیر تحول آثار پرتوی از قرآن مشهود است. همان‌گونه که گفته شد، بخش قابل ملاحظه‌ای از پرتوی از قرآن در زندان ارائه و تدوین شده است. وی افزود: پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، طالقانی اگرچه در نهضت مقاومت ملی همکاری تشکیلاتی نکرد و تنها با امضای برخی از بیانیه‌های نهضت مقاومت با آن ارتباط و همکاری داشت، برای توسعه و معرفی اندیشه سیاسی خود، در سال ۱۳۳۴ با اضافه کردن مقدمه جامع و زیرنویس‌های توضیحی به کتاب ارزشمند "تنبيه الامه و تنزیه المله" علامه سیدمحمدحسین نائینی - نواندیش انقلاب مشروطیت - به انتشار آن همت گماشت و ابعاد استبداد سیاسی و استبداد دینی و پیچیدگی نوع دینی آن و سازوکارهای مدنی حاکمیت ملت و دموکراسی را نشان داد.

رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت: طالقانی، در زیرنویس صفحه پایانی کتاب یادشده، دستاورد انقلاب مشروطیت در زمینه توسعه فرهنگ و رفتار مدنی را به شرح زیر مورد تأکید قرار داده است: «پیامبران عظام که کاخهای استبداد را ویران کردند ... تنها از طریق موعظه و نصیحت نبود، مردمی را تربیت کردند و قدرت بدستشان دادند تا با قدرت شمشیر عدالت و خدایپرستی، قدرت استبداد و شاه‌پرستی را برانداختند. آن مقاومت و انقلاب و خون‌ریزی امروز به قانون و آراء عمومی (رفتار مدنی) تبدیل شده، این حقی است که می‌تواند مستبدین را محدود سازد ... امروز اوراق انتخاب بجای شمشیر و تیروکمان انقلاب (خسونت‌ورزی) دیروز است.» توسلی افزود: واکنش رفتاری طالقانی در مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ و رأی منفی او، همراه با هفت تن دیگر از نمایندگان آن مجلس، به اصل پنجم قانون

اساسی مربوط به ولایت فقیه در راستای اندیشه سیاسی و تحلیل تاریخی او از روند تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در آن برهه آثارش بر همگان مشهود نبود. وی تصریح کرد: همچنین، طالقانی با تدوین کتاب «اسلام و مالکیت» چارچوب نظریش را برای تبیین اندیشه عدالت‌خواهی ارائه کرد. طالقانی و همفکرانش اگر به آزادی و مبارزات ضداستبدادی در طول چند دهه گذشته اولویت داده، سرزنش دگراندیشان را که می‌گفتند آزادی کالای لوکس امپریالیستی است به‌جان خریدند، از اینرو بود که آزادی را پیش‌نیاز تحقق عدالت و استقلال کشور می‌پنداشتند. توسلی تصریح کرد: تحولات جهانی و داخلی کشور پس از پیروزی انقلاب، صحت این دیدگاه طالقانی و همفکرانش دست‌کم در سطح آگاهان و جنبش اصلاحات مورد تأیید قرار گرفته است. تجربه عملکرد یکساله دولت نهم - که با پشت کردن به آرمان آزادی و رکن جمهوریت نظام، بر آرمان عدالت‌خواهی تأکید دارد - و پیامدهای آن در افزایش شکاف طبقاتی این واقعیت را بیش از پیش آشکار کرده است. وی تأکید کرد: باتوجه به روند تحولات در سالهای پس از انقلاب، به‌ویژه در سالهای اخیر، ضرورت تداوم اندیشه سیاسی طالقانی - که امروز بصورت گفتمان غالب آزادی، دموکراسی و حقوق بشر مورد تأکید عموم احزاب، گروهها و فعالان سیاسی قرار دارد - با در نظر گرفتن شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی بیش از پیش مورد نیاز است. رییس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در مورد اندیشه اجتماعی آیت‌الله طالقانی گفت: یکی از محورهای اندیشه و عملکرد طالقانی در طول ۴۰ سال تلاش نستوه او توجه به نقش نهادهای مدنی، از جمله شوراهای احزاب سیاسی، در رفع موانع توسعه کشور و تحقق آرمانها و مطالبات تاریخی ملت ایران بوده است.

توسلی افزود: طالقانی از همان شهریور ۱۳۲۰ - که همکاری فرهنگی خود را با مهندس بازرگان و دکتر سحابی آغاز کرد - و توسعه همکاری‌های جمعی او در دهه‌های بعد به این مهم، باتوجه به آموزه‌های قرآنی و تجربه بشری، عنایت ویژه داشت. ارائه آموزش‌های قرآنی به دانشجویان، ارتباط تنگاتنگ با اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان از دهه بیست و توسعه آن در دهه سی با انجمن‌های اسلامی مهندسين، پزشکان، معلمان، ارتباط با نهضت مقاومت ملی، پذیرش عضویت شورای مرکزی جبهه ملی دوم در سال ۱۳۳۹، مشارکت در تأسیس جمعیت نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰، حمایت از پایه‌گذاران سازمان مجاهدین خلق اولیه و تلاش برای جلوگیری از انحرافات درونی سازمان در سالهای قبل و پس از انقلاب این اندیشه طالقانی را که بدون رفع موانع همکاری جمعی و تقویت نهادهای مدنی هرگز دستیابی به آرمانهای ملی و دینی امکان‌پذیر نیست بخوبی نشان می‌دهد. وی تصریح کرد: طالقانی با پذیرش عضویت نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰، همان‌گونه که مهندس بازرگان هم گفته است، یک عمل انقلابی و کاملاً بی‌سابقه در تاریخ روحانیت ایران انجام داد. طالقانی در شورای مرکزی نهضت آزادی حق ویژه‌ای مطالبه نکرد، بلکه برای خود فقط یک رأی ساده، مانند سایر اعضای شورای مرکزی، قائل بود. طالقانی، بازرگان و سحابی با چنین رفتار دموکراتیک عملاً اخلاق دموکراسی و کار جمعی را به شاگردانشان آموزش دادند و این فرهنگ را در درون انجمن‌های اسلامی، نهضت آزادی ایران و دیگر نهادهای مدنی نهادینه کردند. این فرایند مصداق همان سخن بازرگان است که می‌گفت: «آزادی (و دموکراسی) دادنی یا گرفتنی نیست بلکه یادگرفتنی است». توسلی گفت: شایان یادآوری است که در آن زمان و تا سالهای اخیر بسیاری از شخصیت‌های موجه و فعال سیاسی کشور با افتخار اظهار می‌کردند که جزو هیچ گروه، دسته یا حزبی نیستند. خوشبختانه تحلیل رخدادهای دهه‌های اخیر و کارهای تطیلی و توضیحی پس از خرداد ۷۶، در دوران اصلاحات، این واقعیت را برای همگان آشکار کرده است که بدون حضور تشکیلاتی در نهادهای مدنی و تقویت حزب و فعالیت حزبی انتظار دستیابی به جامعه دموکراتیک - که پیش‌نیاز اجرای برنامه‌های توسعه کشور است - واهی و بیهوده است. اگرچه این واقعیت در سطح نظری در جامعه امروزی ما به آگاهی عمومی رسیده است، هنوز تا پذیرش عملی آن از سوی فعالان سیاسی و حزبی شدن فعالیت‌های سیاسی فاصله زیادی وجود دارد.

وی افزود: امروز، این اندیشه و رفتار تحزب‌پذیری طالقانی - که در حدود نیم قرن پیش به این نیاز مبرم جامعه ما پاسخ مثبت داده است -، می‌تواند اسوه و الگوی آموزنده‌ای برای همه کسانی باشد که می‌خواهند اندیشه طالقانی تداوم یابد و بستر لازم برای رفع موانع توسعه در کشور ایجاد شود. همان‌گونه که گفته شد، گفتمان غالب در جامعه کنونی ما - که مطالبه تاریخی ملت ایران می‌باشد - آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است. برای دستیابی به آرمانهای یادشده راهی جز گفتگو، تقویت همکاری‌های جمعی و تشکیل نهادهای متناسب نیست، یعنی تداوم اندیشه و رفتاری که طالقانی از پیشگامان آن بود. توسلی تصریح کرد: مدارا و تساهل با دگراندیشان - که از خصوصیات بارز طالقانی بود و قبلاً به آن اشاره شد - از ضرورتها و پیشنیازهای توسعه همکاری‌های جمعی و تقویت راهبرد وفاق ملی است. مگر بدون پذیرش دیگران و احترام به دیدگاههای مختلف می‌توان در چارچوب وجود اشتراک همکاری جمعی را پایه‌گذاری کرد؟ ما عموماً عادت داریم که قبل از توجه و تمرکز بر وجود اشتراک به موارد اختلاف‌نظر با طرف مقابل فکر کنیم. بدیهی است که با این نگرش گفتگو، همفکری، همدلی و همکاری جمعی در جامعه شکل نمی‌گیرد و بدگمانی و بی‌اعتمادی توسعه می‌یابد. خصوصیت مدارا و رواداری (TOLERANCE) طالقانی - که با حفظ مواضع و اعتقاداتش، با مهربانی با صاحبان اندیشه‌های متفاوت گفتگو و در موارد لازم از آنان حمایت می‌کرد - نیاز استراتژیک امروز و فردای جامعه ما است. وی خاطر نشان کرد: رفتار و سخنان طالقانی با شهید نواب صفوی، مارکسیست‌ها، اعضای سازمان مجاهدین و با رهبر فقید انقلاب هریک حامل آموزه‌های ارزشمندی است که جادارد نسل امروز، به ویژه علاقه‌مندان به راه طالقانی، آنها را ادامه دهند.

رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران با اشاره به دیدگاه آیت الله طالقانی در مورد تشکیل شوراهای، گفت: تأکید بر شوراهای و ضرورت به حساب آوردن مردم در اداره کشور و دادن رأی منفی به اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی، پیام اصلی طالقانی در عمر کوتاهش پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. دغدغه و نگرانی طالقانی، با شناخت عمیقی که از تحولات پس از انقلاب داشت، در سخنانش در خطبه‌های نماز جمعه ۱۷ شهریور ۵۸ در بهشت زهرا کاملاً گویاست، که برای یادآوری قسمتی از آن را نقل می‌کنم: "من از همگان می‌خواهم که به امر شوراهای اهمیت بدهند و بدانند که سرنوشتشان دست خودشان است و دولت هم باید در این کار فقط نظارت داشته باشد. مسلمانها هرکس صدای مرا در داخل و خارج کشور می‌شنود، راه اصلاح و حرکت و تکامل انقلابی یک کشور منجر به همین است." توسلی افزود: در آستانه برگزاری انتخابات سومین دوره شوراهای، جا دارد که مردم عزیز کشور، باتوجه به تجربیات انتخابات دو دوره گذشته، به‌ویژه پیامدهای عدم مشارکت در انتخابات شوراهای شهرهای بزرگ مانند کلانشهر تهران و فراهم کردن زمینه برای جمعی ناشناخته که با استفاده از امکانات و تسهیلات شهرداری تهران - که آمارها و اطلاعات آن منتشر شده است - و نیز با پشتیبانی همه‌جانبه نهادهایی که از اعتبارات عمومی استفاده می‌کنند توانستند اکثریت مطلق مجلس هفتم و سپس دولت نهم را در اختیار گیرند، با مشارکت گسترده در این دوره، افراد مورد اعتمادشان را برای اداره شهرها انتخاب کنند و برای تقویت این نهاد مدنی - که مشارکت گسترده مردم را در اداره روستاها و شهرها فراهم می‌کند - تلاش کنند.

وی تصریح کرد: دلائل مخالفت طالقانی و دیگر آگاهان با اصل ولایت فقیه در قانون اساسی امروزه برای همگان آشکار شده است. آقای مصباح یزدی، با تحریف تاریخ تشیع، اعلام کرده است که هیچ یک از مراجع شیعه رأی مردم را مبنای مشروعیت رهبری نظام اسلامی (حاکم اسلامی، ولی فقیه) ندانسته و معتقد است که مقام رهبری منصوب خداوند است، درحالی‌که ملامحمدکاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و حاجی میرزاحسین تهرانی از مراجع بزرگ نجف در صدر مشروطیت در تقریراتشان و با تأیید رساله تنبیه‌الامه و تنزیه المله علامه نایینی مشروعیت حکومت مشروطه از طریق

رأی مردم را برپایه مبانی اسلامی اعلام کردند و در صد سال اخیر بسیاری از مراجع و علمای دینی، از جمله طالقانی، براین اندیشه پای فشرده‌اند.

توسلی خاطرنشان کرد: دو قرائتی که امروز از قرآن و سنت و قانون اساسی درباره جایگاه مردم در اداره جامعه وجود دارد، باید با روش علمی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. یک دیدگاه رهبری را منصوب خدا - و بنابراین، با اختیارات مطلق - و مردم را تابع و بی‌اختیار می‌داند. به بیان دیگر، این دیدگاه دموکراسی و حاکمیت ملت را ناسازگار با ادیان الهی، به ویژه اسلام، می‌داند. دیدگاه دوم، همان‌گونه که در اصل ۵۶ قانون اساسی تصریح شده است، مردم را منشأ اختیار، قدرت و مشروعیت حاکمان معرفی می‌کند و برپایه اصل ۱۱۰ قانون اساسی مقام رهبری را با اختیارات محدود و به لحاظ حقوقی در عرض سایر شهروندان و پاسخگو در برابر اختیارات تفویض شده می‌داند. وی افزود: در دیدگاه دوم، مقام رهبری و سایر مسوولان، که منتخب مردم هستند، باید با سازوکار اصل شوراها و رأی اکثریت و با مشارکت مردم جامعه را اداره کنند. پیامبر گرامی اسلام نیز - درجایی که مربوط به اداره جامعه بود - از رأی اکثریت مردم حتی اگر برخلاف تشخیص او بود - پیروی می‌کرد و خود تصمیم اکثریت را بعنوان آموزه الهی به اجرا می‌گذاشت. آیات قرآن و روایت تاریخی جنگ احد آشکارا این روش مدیریت را که امروز نیز جنبه علمی دارد، نشان می‌دهد. طالقانی نیز در مدت ۴۰ سال تلاش فرهنگی، سیاسی و اجتماعی همواره براین اندیشه و دیدگاه تأکید و پافشاری داشته است. روحش شاد و راهش پررهرو باد.

هدی صابر: جامعه روشنفکر کنونی در آموزش نسل جدید غفلت ورزیده است هدی صابر در مراسم بیست و هفتمین سالگرد آیت‌الله طالقانی که در حسینیه ارشاد برگزار شد، گفت: در سال ۱۳۲۰ در پی سرنگونی و فرار رضاخان، باب اندیشه، تفکر و آموزش گشوده شد و چهار حوزه آموزشی در کشور سر بر آورد که حوزه گسترده‌تر مربوط به حزب توده، حوزه بعدی به لیبرال‌های آن روز، حوزه دیگر به سنتی‌های مذهبی که امکانات نوینی پیدا کرده بودند و آخرین حوزه مربوط به مذهب‌یون نخواه بود که به دنبال نوسازی اندیشه مذهبی در ایران بودند. وی تصریح کرد: طالقانی از دسته آخر بود؛ او نمی‌خواست پشت سر تکامل میهن بایستد لذا یا هم‌مرز با این تکامل بود یا جلوتر از آن اما از هم‌مرزان حمایت می‌کرد. طالقانی از تفسیر سنتی و کلاسیک موجود در آن زمان عدول کرد. او آمده بود تا تلنگری بزند و تلنگر هم زد. او بن‌بست کلاسیک دوران را شکست. صابر افزود: محصول آموزش‌های آموزگار طالقانی، عزت‌الله سبحانی از نسل دهه ۲۰ و محمد توسلی از نسل دهه ۳۰ بود و امروز نیز چون گذشته، سبحانی درد ایران دارد و بر سنن ایرانخواهی مصدقی و تدین ایستاده است و توسلی ۴۰ سال است که در یک مسیر مانده و بر عقایدش محکم ایستاده است. وی اظهار داشت: از مجموعه کسانی که پای درس طالقانی و پای درس مسجد هدایت نشستند، کمتر کسی به انحراف رفت و ضریب پایداری و ماندگاریشان بر روی اصول قابل توجه بود. آنها عموماً ایستادند زیرا از هستی درکی یافته و هدفمندی هستی را فهمیده بودند و اهل عهد و جمع‌گرایی بودند. آنها افراد دغدغه‌داری بوده و دغدغه ایران و تدین داشتند اما چند دهه بعد از آن، از انتهای دهه ۶۰ تا ۷۰ باب آموزشی در ایران باز شد که نتیجه آموزش‌های ۱۵ ساله اخیر جز گریز از جمع و فدا کردن منافع جمع در پای منافع فرد و بی‌تقیدی محض نبود. این فعال ملی مذهبی افزود: اگر محصول آموزش‌های طالقانی، حنیف‌نژاد است که فرمان تیر خود را خود می‌دهد و اگر محصول او بدیع‌زادگان است که در پای دار فریاد زنده باد ایران، اسلام و قرآن را سر می‌دهد اما چندی پیش چه شد که برای نخستین بار از میان جنبش دانشجویی ایران افرادی برخاسته و به آن سو رفتند تا از بیگانگان برای ایجاد دموکراسی کمک بخواهند. صابر با تأکید بر اینکه جامعه روشنفکر کنونی در آموزش نسل جدید غفلت ورزیده است، گفت: نباید گرز سرکوفت برداشت و به جان آن دو کوبید. ما چه آموزشی جز پیش بردن پروسه‌ها و پروژه‌های فردی و فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا دادیم. ما امروز آموزگاران چون طالقانی و بازرگان نداریم. صابر افزود: زمانی رفتن و از دیگری استمداد کردن در جامعه ما

افت بود و با تکامکانات و فرغون خودمان در ذیل مبارزه ملی تلاش کردیم. آن زمان مضمون آموزش‌ها ایده و اندیشه نو بود و نخبگانی که آموزش می‌دیدند عرض حیات برایشان اهمیت داشت نه طول حیات لذا هیچ‌یک از آنها باج نداده و پهلوانانه رفتند. وی با بیان اینکه بازرگان، حنیف‌نژاد و طالقانی با کتاب مانوس بوده و با آن زیستند، گفت: کتاب صرفاً منبع پژوهشان نبود بلکه کتاب را ملجا خود می‌دانستند. طالقان در دهه ۳۰ بازگشت به قرآن کرد اما این بازگشت ارتجاعی نبود و به نوعی باید گفت که نزول مجدد قرآن در جامعه ایران محصول طالقانی بود. صابر اظهار داشت: جریان روشنفکری مذهبی امروز مرزی با حوزه‌های ثابت ندارد. مرز ما تنفر از آخوند یا درگیری با شخص نیست بلکه مرز «فیکسیسم» و «دینامسیسم» است و روشنفکری مذهبی ایران در ۲۵ سال گذشته جز توزیع‌کنندگی کار ویژه‌ای از نوع «پرتو»، «ذره بی‌انتها» و «عشق و پرستش» نداشته و نتوانسته تلنگری به جامعه وارد کند و ما امروز راهی جز بازگشت به کتاب نداریم که کتاب منشا حیات است.

اعظم طالقانی: مدیران خردگرا با اصل شورا و مشورت همسویی دارند به گزارش خبرنگار "ایلنا"، اعظم طالقانی در مراسم بیست و هفتمین سالگرد آیت‌الله طالقانی که در حسینیه ارشاد برگزار شد، گفت: اولین مسأله‌ای که طالقانی بر آن تکیه داشت، آگاهی از خدا، خود، محیط و آنچه لازمه حیات ایمانی انسان است، بود و در مرحله بعد بحث تقوی را به معنای پرواگیری نه پرهیزکاری مطرح می‌کند که از ماحصل این دو اصل، آزادی و امنیت را بیان می‌کند. وی افزود: اصل دیگری که طالقانی بر آن باور دارد، انسان مسوول در جامعه ایمانی است. او انسان را در مقابل افکار، اندیشه، رفتار و کارهایش پاسخگو می‌داند. او معتقد است اگر جامعه از مردمان مسوول تشکیل شود، مردم نسبت به سرنوشت خود و دیگران بی‌تفاوت نمی‌شوند. طالقانی، با بیان اینکه وقتی در جامعه افراد مسوول باشند، هیچ‌کس در مقابل توقیف نشریات و عدم ثبت نام از دانشجویان کارشناسی ارشد به دلایل سیاسی سکوت نمی‌کند، ادامه داد: آیا نمی‌توان گفت ما در جامعه مقداری کفران نعمت کرده و از نعمت‌ها درست و شایسته استفاده نکرده‌ایم. وی با تصریح بر اینکه رسالت با انسان مسوول است، خاطرنشان کرد: هر انسانی که خود را پاسخگو می‌داند، رسالت دارد و برای خود مرزبندی قائل بوده و شناخت و پرواگیری را در زندگی خود به کار می‌گیرد. طالقانی گفت: در جامعه ایمانی کسی مردم را به سمت گرفتن حقوقشان هل نمی‌دهد. در این جامعه مردم روی پای خود ایستاده‌اند تا حقوق خود را مطالبه کنند اما امروز اگر ما خواهیم حقوق شهروندی خود را مطالبه کنیم، با مشکل مواجه می‌شویم. وی اظهار داشت: در جامعه‌ای که قسط اجرا می‌شود، تعادل برقرار بوده و عدالت محقق می‌شود، در این جامعه استعدادهای شکوفا و از بالقوه بودن به فعلیت می‌رسند و مردم به اصل حرکت و تحول اعتقاد پیدا می‌کنند. فرزند آیت‌الله طالقانی با بیان اینکه اصل تکامل از اصول حقیقی خلقت است، اظهار داشت: جامعه ایمانی در راستای تکامل حرکت می‌کند و این تحول و تکامل نتیجه بازخورد تمام دارایی‌های قبلی اوست. در این جامعه پویایی وجود دارد و تمام قوانین در جهت تعالی و رشد و نه در جهت به رکود رساندن و دهان بستن وضع می‌شود. طالقانی تاکید کرد: جامعه ما بیمار شده و آقایان به جای اینکه درد و درمانش را بشناسند، وعده‌های پوچ می‌دهند که یا از سر بی‌خردی است یا از سر ناآگاهی که هر دوی اینها اشکال دارد. آنها می‌توانند از تجربه دیگران استفاده کنند نه اینکه تجربه و تخصص دیگران را نادیده بگیرند. وی افزود: شما وعده پول اجاره و مسکن می‌دهید و با این گویش‌های بی‌محتوا تنها نرخ تورم را بالا برده و شرایط را بر مردم سخت و سنگین می‌کنید که این دوراندیشی و خردگرایی نیست. دبیرکل جامعه زنان انقلاب اسلامی با تصریح بر اینکه در جامعه خردگرا مدیران خردگرا با اصل شورا و مشورت همسویی دارند، گفت: در این جامعه به‌گونه‌ای عمل نمی‌شود که اصل شورا حکومتی شود و این خطری است که موجب خواهد شد مشارکت مردم در صحنه سرنوشت‌سازی کم شود. وی با بیان اینکه صداقت در خردگرایی است، گفت: اگر انسانی صادق است، به اصل مشارکت و همراهی با مردم به یقین توجه خواهد کرد. طالقانی با بیان اینکه نهضتی که آیت‌الله طالقانی به همراه بازرگان و سحابی راه انداخت به دو مولفه قرآن‌مداری و احیای تفکر قرآن

توجه داشت، اظهار داشت: جامعه‌ای که به احکام فردی و رساله‌ای می‌پردازد، خواهان جامعه‌ای با تفکر قرآنی نیست. طالقانی درد دین، انسانیت عدالت و گرفتن حق مردم را داشت. وی با اشاره به دیدگاه طالقانی در مورد حقوق زنان، گفت: معتقدم اگر طالقانی زنده بود، نمی‌توانست چنین ظلم‌هایی را که علیه زنان صورت می‌پذیرد، تحمل کند لذا در واکنش‌های اجتهادی و اصولی گام‌هایی در جهت بهبود وضع زنان برمی‌داشت.